

# گزارش تمرین اول درس شبکههای عصبی



## فاطمه غلامزاده

#### 9917100

# سوال اول

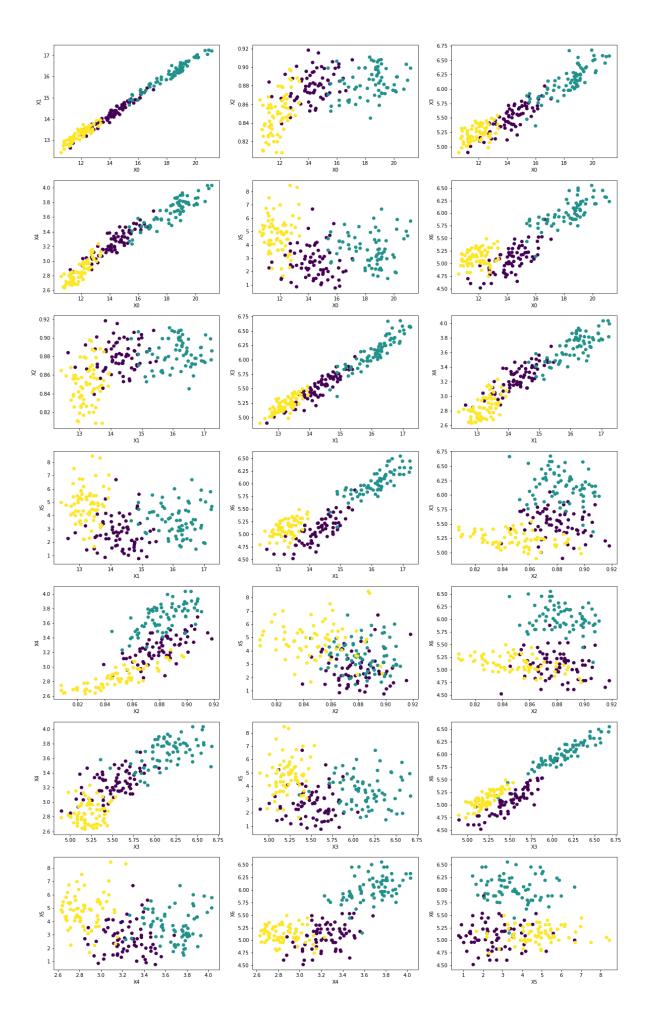
نمودار دادهها در شکل صفحه بعد رسم شده است. همانطور که مشاهده می شود ۲۱ نمودار رسم شده که در هر نمودار ۲ ویژگی از ۷ ویژگی انتخاب شده اند و برای آنها نمودار رسم شده است.

با توجه به این شکلها، دادهها <mark>جداپذیر خطی نیستند</mark> زیرا همانطور که مشاهده میشود در هر شکل قسمتی از دادههای یک کلاس در محدودهی دادههای کلاس دیگری قرار گرفته و نمیتوان با خط این دادهها را از هم تفکیک کرد.

# فیت کردن مدل خطی به دادهها:

برای اطمینان از جداپذیر خطی نبودن دادهها، یک مدل خطی به دادهها فیت شد. به این منظور از SVM با کرنل خطی با هایپرپارامتر C در SVM را بزرگ در نظر می گیریم با هایپرپارامتر C در SVM را بزرگ در نظر می گیریم بهینه ساز را محبور می کنیم که در دسته بندی خطای صفر داشته باشد تا تابع خطا را بهینه کند. در نتیجه مدل به دادهها بیش برازش می شود. اگر بتوانیم دادهها را به یک مدل خطی بیش برازش کنیم به این معناست که دادهها جداپذیر خطی می سیر

کد انجام این عمل در فایل Part1\_chek\_for\_linear\_Separability.ipynb آورده شده است. میزان دقت به دست آمده ۹۵ درصد بود و ۱۰۰ درصد نشد و خطا به صفر نرسید. بنابراین می توان نتیجه گرفت که دادهها جداپذیر خطی نیستند.



### سوال دوم و سوم

#### لایه ورودی:

در این لایه از ۷ نورون استفاده شده است زیرا تعداد نورونها در لایه ورودی برابر است با تعداد ویژگیها یا به عبارت دیگر ابعاد دادههای ورودی. با توجه به اینکه دادههای مورد استفاده در این سوال، ۷ ویژگی دارند در لایه ورودی به ۷ نورون نیاز داریم. این نورونها هیچ پردازشی روی داده ورودی انجام نمی دهند و فقط داده را به شبکه وارد می کنند. به همین دلیل در لایه ورودی نیازی به تعریف تابع فعالیت نیست.

## لایه خروجی:

در این لایه از ۳ نورون استفاده شده است. زیرا یک مساله دسته بندی سه کلاسه داریم و برای تفکیک سه کلاس، میتوان از سه نورون یا log 3 نورون استفاده کرد که ترجیحا از ۳ نورون استفاده میشود. در این لایه از تابع فعالیت Relu استفاده شده است.

## • لايه پنهان:

در این لایه از تابع فعالیت Relu استفاده شده است. از آنجا که هیچ قاعده مشخصی برای تعیین قطعی تعداد بهینه لایههای مخفی و نورون ها وجود ندارد، از فرآیند آزمون و خطا استفاده شده است .در این فرآیند، شبکهای با تعداد نورون های متفاوت ایجاد میشود و با تعداد تکرارهای متفاوت آموزش میبیند و در نهایت نتایج حاصل ذخیره و مقایسه میشوند. آزمایشها برای شبکهای با تعداد ۱ و ۲ و ۳ لایه مخفی انجام شدهاند و از آنجایی که افزایش تعداد لایههای مخفی دقت روی دادههای تست را تغییری نمیداد ( یا حتی کاهش میداد) از انجام آزمایش برای تعداد لایههای مخفی بیشتر خودداری شد.

برای انجام این آزمایشات یک تابع به صورت زیر تعریف شده که تعداد نورونها در لایه مخفی را به عنوان ورودی دریافت میکند و یک شبکه بر همین اساس می سازد:

```
#create model
def create_five_Layer_model(number_of_neurons1, number_of_neurons2, number_of_neurons3):
    model = keras.models.Sequential()
    #input layer
    model.add(keras.layers.Input(shape=(7,)))

#hidden layer 1
    model.add(keras.layers.Dense(units=number_of_neurons1,activation='relu'))
    #hidden layer 2
    model.add(keras.layers.Dense(units=number_of_neurons2,activation='relu'))
    #hidden layer 3
    model.add(keras.layers.Dense(units=number_of_neurons3,activation='relu'))

#output layer
    model.add(keras.layers.Dense(3,activation='softmax'))

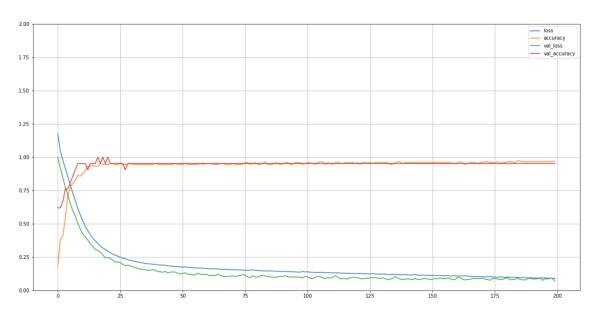
return model
```

# نتایج آزمایشها در جدول زیر قابل مشاهده است:

تعداد لایه های	Epochs	تعداد نورون های	تعداد نورون های	تعداد نورون های	Test Loss	Test Accuracy
مخفى		لايه مخفى اول	لايه مخفي دوم	لايه مخفي سوم		
1	50	16	-	-	0.21	0.88
1	100	16	-	-	0.15	0.90
1	200	16	-	-	0.04	1
1	500	16	-	-	0.06	0.95
1	50	64	-	-	0.17	0.90
1	100	64	-	-	0.08	0.95
1	200	64	-	-	0.08	0.95
1	500	64	-	-	0.11	0.95
1	50	128	-	-	0.13	0.90
1	100	128	-	-	0.12	0.95
1	200	128	-	-	0.09	0.95
1	500	128	-	-	0.12	0.95
1	50	256	-	-	0.13	0.95
1	100	256	-	-	0.07	0.95
1	200	256	-	-	0.10	0.95
1	500	256	-	-	0.13	0.95
2	50	64	128	-	0.21	0.88
2	100	64	128	-	0.13	0.95
2	200	64	128	-	0.08	0.95
2	500	64	128	-	0.14	0.95
2	50	64	256	-	0.18	0.88
2	100	64	256	-	0.11	0.95
2	200	64	256	-	0.11	0.95
2	500	64	256	-	0.17	0.95
2	50	128	256	-	0.19	0.88
2	100	128	256	-	0.08	0.95
2	200	128	256	-	0.11	0.95
2	500	128	256	-	0.18	0.95
3	50	16	64	128	0.09	0.95
3	100	16	64	128	0.24	0.92
3	200	16	64	128	0.42	0.92
3	500	16	64	128	0.60	0.92
3	50	16	64	256	0.33	0.90
3	100	16	64	256	0.62	0.90
3	200	16	64	256	0.78	0.92
3	500	16	64	256	0.93	0.92
3	50	16	128	256	0.14	0.92
3	100	16	128	256	0.34	0.92
3	200	16	128	256	0.47	0.92
3	500	16	128	256	0.56	0.92
3	50	64	128	256	0.15	0.90
3	100	64	128	256	0.16	0.95
3	200	64	128	256	0.38	0.95
3	500	64	128	256	0.46	0.95

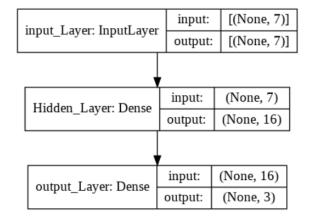
همانطور که از نتایج مشخص است، ساختار شبکه عصبی با یک لایه مخفی که دارای ۱۶ نورون است و با ۲۰۰ بار تکرار آموزش، بهترین دقت را روی دادههای تست داشته است. همچنین دارای کمترین میزان loss روی دادههای تست است. بنابراین این ساختار را برای شبکه انتخاب می کنیم.

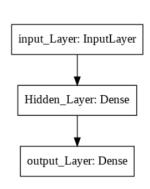
برای اطمینان از اینکه این شبکه دچار بیش برازش نشده باشد نمودار دقت و خطا برای دادههای آموزشی و validation را رسم می کنیم. اگر در این نمودار مشاهده شود که از جایی به بعد با وجود کاهش در خطای روی دادههای آموزشی، خطا روی دادههای validation در حال افزایش است، می توان نتیجه گرفت که مدل دچار بیش برازش شده است اما با توجه به نمودار زیر اینطور نیست بنابراین این ساختار شبکه را انتخاب می کنیم.



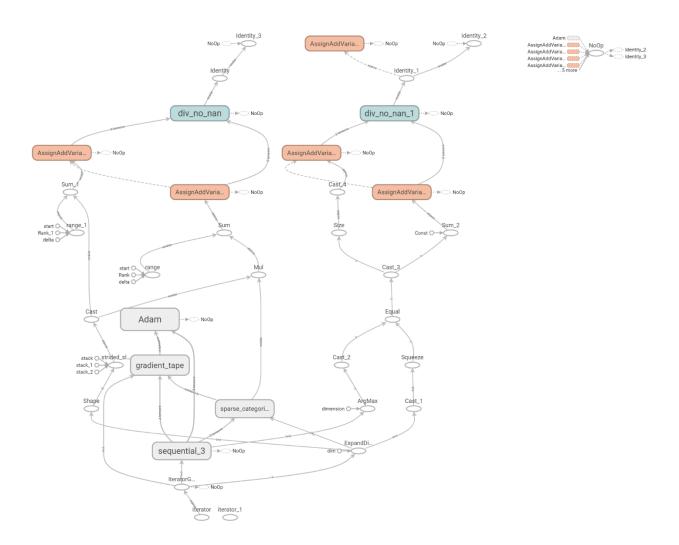
بنابراین ویژگیهای مدل انتخاب شده به صورت خلاصه این موارد هستند:

- ۷ نورون در لایه ورودی
- یک لایه مخفی با ۱۶ نورون
  - لایه خروجی با ۳ نورون
- تابع خطای SparseCategoricalCrossentropy
  - بهینهساز Adam با نرخ یادگیری 0.01

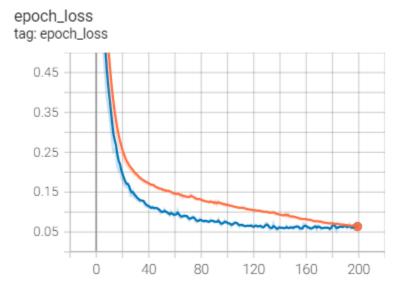




# گراف شبکه:



# نمودار epoch-loss رسم شده در تنسوربورد:



Model: "sequential 3"

Layer (type)	Output Shape	Param #
Hidden_Layer (Dense)	(None, 16)	128
output_Layer (Dense)	(None, 3)	51

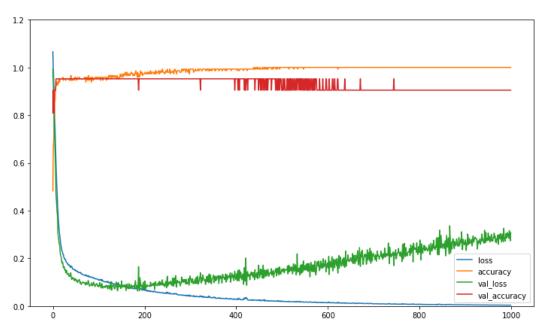
Total params: 179
Trainable params: 179
Non-trainable params: 0

\_\_\_\_\_

# سوال چهارم

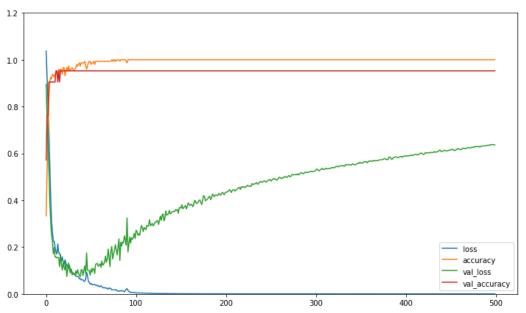
دو راه حل برای بیش برازش کردن مدل وجود دارد:

۱- یک راه این است که تعداد مراحل آموزش (epoch) را زیاد کنیم. برای این منظور، برای همان شبکهای که در قسمت ۲و۳ استفاده کردیم، تعداد epochها را از ۲۰۰ به ۱۰۰۰ افزایش میدهیم. نمودار آن به این صورت است:



همانطور که مشاهده می شود در فرآیند آموزش تا تعداد مشخصی epoch که جلو می رویم loss هم برای دیتای آموزش و هم برای دیتای loss اور دیتای validation کاهش پیدا می کند اما از یک جایی به بعد با افزایش epoch ها validation در دیتای مورد validation شروع به افزایش می کند در حالی که loss در دیتای آموزش همچنان در حال کاهش است. این مورد نشانه ی واضحی برای بیش برازش است. نشانه ی دیگر این است که دقت روی داده های تست نسبت به مدلی که تعداد epoch کمتری آموزش را تکرار می کند، کاهش پیدا می کند.

۲- راه دیگری که برای بیش برازش کردن مدل می تواند انجام بگیرد افزایش پیچیدگی مدل است. این کار می تواند
 با افزایش تعداد لایههای مخفی و افزایش تعداد نورونها در هر لایه مخفی صورت بگیرد. به این منظور تعداد
 لایههای مخفی را از ۱ به ۴ افزایش داده و در هر کدام از لایههای مخفی به جای ۱۶ نورون ۱۲۸ نورون قرار می دهیم. نمودار آن به صورت زیر است:



در اینجا هم مانند حالت قبل از یک جایی به بعد با افزایش epoch ها loss در دیتای validation شروع به افزایش می کند در حالی که loss در دیتای آموزش همچنان در حال کاهش است، هم چنین دقت روی دادههای تست نسبت به مدل ساده تر، کاهش پیدا می کند بنابراین بیش برازش داریم.

# سوال پنجم

روشهای متعددی برای انجام منظمسازی در تنسورفلو وجود دارد که در اینجا به معرفی ۵ تکنیک میپردازیم:

L1 Regularization .1

$$L_1 = (wx + b - y)^2 + \lambda |w|$$

L2 Regularization .2

$$L_2 = (wx + b - y)^2 + \lambda w^2$$

L1\_L2 Regularization .3

$$\hat{eta} \equiv \operatorname*{argmin}_{eta}(\|y - Xeta\|^2 + \lambda_2 \|eta\|^2 + \lambda_1 \|eta\|_1)$$

#### Dropout .4

تعدادی از اتصالات بین نورون ها را به صورت رندوم حذف می کند.

#### Batch Normalization .5

روشی است که برای سریعتر و پایدارتر کردن شبکههای عصبی مصنوعی از طریق عادیسازی ورودیهای لایهها با مرکزیت مجدد و مقیاس گذاری مجدد استفاده می شود.

در جدول زیر مزایا و معایب هر یک از این روشها بررسی شده است:

### منظم سازی L1

#### مزايا:

- ۱- وقتی تعداد فیچرهای داده زیاد باشد خوب عمل می کند.
- ۱- در مواجهه با نقاط outlier در داده های ورودی، عملکرد بهتر و مقاومتری از L2 دارد
- ۲- مدلی تولید می کند که ساده و قابل تفسیر است و تنها زیرمجموعه ای از ویژگی های داده های ورودی را استفاده
   می کند.
- ۲- با استفاده از آن، خاصیت feature selection حاصل می شود زیرا می تواند فیچرهای غیرمهم را در نظر نگیرد.

#### معایب:

- ۱- سبب مى شود تا الگوريتم قادر نباشد الگوهاى پيچيده را ياد بگيرد.
- ۲- در مورد دیتاستهایی که ابعاد زیادی دارند (تعداد ابعاد از تعداد دادهها بیشتر است) خوب عمل نمی کند.

# منظم سازی L2

### مزايا:

- ۱- در دیتاست هایی که تمام فیچرها روی متغیر هدف تاثیر گذارند خوب جواب میدهد.
- ۲- زمانی که وزن های داخل مدل به طور مساوی مقداردهی اولیه داده شده باشند خوب جواب می دهد.
- ۳- زمانی که مقدار هدف پیشبینی تابعی از همه ویژگی ها داده ورودی باشد، نُرم  $\mathbb{L}^2$  یادگیری بهتری را سبب می شود.
  - ۳- با نُرم L2 بر خلاف نُرم L1 مى توان الگوهاى پيچيده را در داده ورودى ياد گرفت.
    - ۴- دقت های بالاتری را ارائه میدهد و بهتر تنظیم میشود.

#### معایب:

- ۴- در قبال وجود داده های outlier در دیتاست مورد استفاده خوب عمل نمی کند؛ چرا که در نقاط outlier خطای پیشبینی مدل بسیار زیاد می شود و با داشتن جمله پنالتی نُرم L2 در آن تابع، وزن های مدل کوچکتر خواهد شد.
  - ۱- یک مدل خلوت ایجاد نمی کند و پیچیدگی و ابعاد مدل بالاست.
    - ۲- مدل حاصل از آن، تفسیرپذیری کمی دارد.

# منظم سازىL1\_L2

#### مزايا:

- ۱- مزایای منظمسازی های ۱ او ۱ یا هم دارد.
- ۲- تاثیر فیچرهای مختلف را کم می کند در حالی که همه آن را حذف نمی کند.
- ٣- معمولا به 11 و 12 ترجيح داده مي شود چون معايب آنها را حذف مي كند.

#### معایب:

- ا- هزینه محاسباتی بیشتری نسبت به 1 و 2 دارد.
  - ۲- انعطاف پذیری کمتری دارد.

## منظم سازی Dropout

#### مزايا:

- ۱- از بهینه سازی همزمان وزن تمام نورون های یک لایه جلوگیری می کند. این انطباق، که در گروههای تصادفی انجام می شود، از همگرایی همه نورونها به یک هدف جلوگیری می کند و در نتیجه وزنها را به هم مرتبط می کند.
  - ۲- افزایش استحکام مدل و همچنین حذف هر گونه وابستگی ساده بین نورون ها.
  - ۳- فعال شدن واحدهای پنهان پراکنده می شود که این نیز یک ویژگی مطلوب است.
- ۴- وزن ها در میان تمام ویژگیها تقسیم میشود و مقادیر کمتری برای آن ها درنظر گرفته می شود و این امر تأثیر بسزایی در نظم دهی و یکدستشدن مدل دارد.

### معایب:

- ۵- برای شبکههای کانولوشنی خوب عمل نمی کند.
- ۶- هنگامی که شبکه نسبت به مجموعه داده کوچک است عملکرد مناسبی ندارد.
- ۷- اگر آموزش کوتاه باشد و تا زمان همگرایی ادامه پیدا نکند روش dropout خوب عمل نمی کند.

# منظم سازی Batch Normalization

# مزايا:

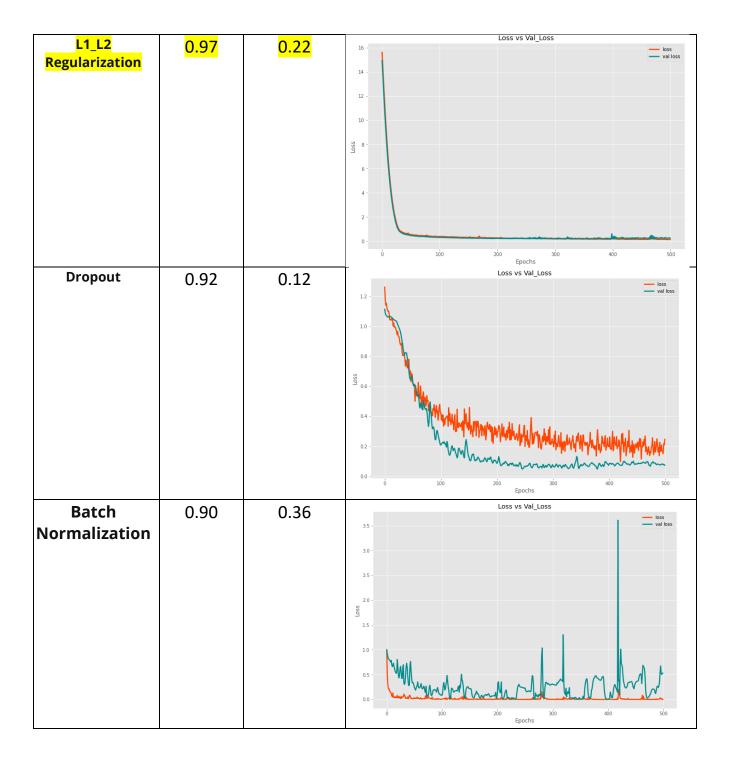
- ۱- اگر سایز batch زیاد باشد پایدار است.
  - ۲- سرعت آموزش را افزایش میدهد.
- ۳- نسبت یه scale و شیفت در دیتای ورودی مقاوم است.
  - ۴- نسبت به تغییرات بردار وزن مقاوم است.

# معایب:

- ۱- محاسبات سنگینی دارد و حافظه زیادی اشغال می کند زیرا تمام اطلاعات آماری مربوط به دسته ها باید ذخیره شوند.
  - ۲- عملکرد آن به اندازه batch (دسته) حساس است.
    - ۳- برای یادگیری بر خط مناسب نیست.

در جدول زیر مقدار دقت و خطا روی مجموعه داده تست به همراه نمودار خطای آموزش و validation به ازای اعمال هر کدام از این منظم سازی ها بر روی مدل بیش برازش شده حاصل از پیچیده سازی مدل، گزارش شده است:

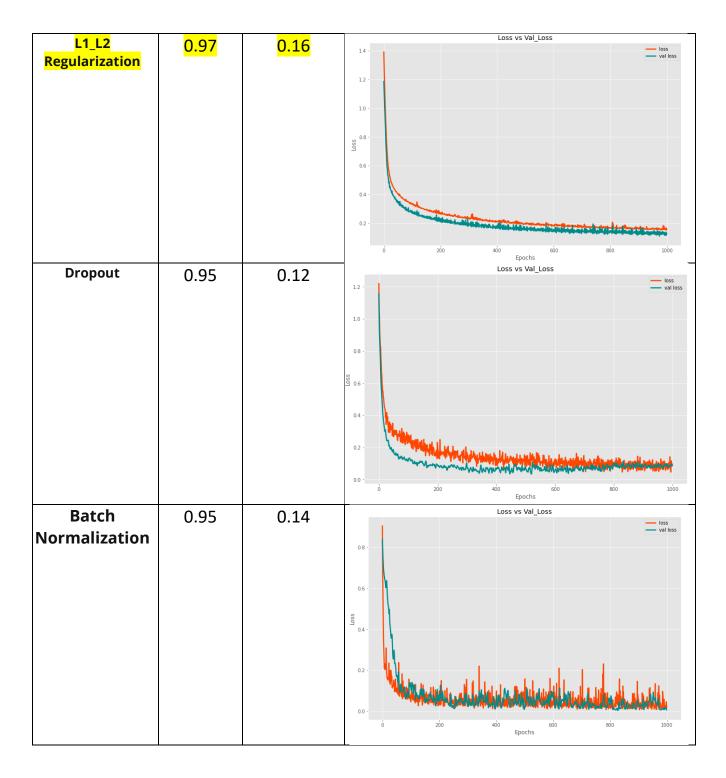
منظم سازى	دقت روی داده تست	خطا روی داده تست	نمودار loss و val-loss
			Loss vs Val_Loss
بدون اعمال منظم سازی (مدل بیش برازش شده با استفاده از افزایش پیچیدگی مدل)	0.95	0.29	10 - loss val loss    08 -
L1 Regularization	0.05	0.22	Epochs Loss vs Val Loss
	0.95	0.22	14
L2 Regularization	<mark>0.97</mark>	<mark>0.16</mark>	Loss vs Val Loss  loss vs Val Loss vs Val Loss  loss vs Val Loss vs Val Loss vs Val



همانطور که مشاهده میشود، منظمسازی های L2 و L2 عملکرد بهتری داشته اند زیرا هم دقت را افزایش دادهاند و هم اینکه خطا روی دادههای تست را کاهش دادهاند. نمودار مربوط به loss و val\_loss نیز برای این دو مورد مناسب تر از سایر منظمسازی هاست و نویز کمتری دارد. تغییرات val\_loss در نمودارهای مربوط به این دو به صورت کاهشی است و با شیب خوبی کاهش پیدا کرده است. همچنین تغییرات ناگهانی ندارد.

در جدول زیر مقدار دقت و خطا روی مجموعه داده تست به همراه نمودار خطای آموزش و validation به ازای اعمال هر کدام از این منظم سازی ها بر روی مدل بیش برازش شده حاصل از افزایش تعداد مراحل آموزش مدل، گزارش شده است:

منظم سازي	دقت روی	خطا روی داده	نمودار loss و val-loss
	داده تست	تست	vai 1033 y 1033 ),0920
بدون اعمال منظم سازی (مدل بیش برازش شده با استفاده از افزایش مراحل آموزش)	0.95	0.06	Loss vs Val_Loss  10 -
14 Degularization	0.07	2.40	00 - 0 200 400 600 800 1000 Epochs Loss vs Val_Loss
L1 Regularization	<b>0.97</b>	<mark>0.19</mark>	12 - 10 - 10 - 10 - 10 - 10 - 10 - 10 -
L2 Regularization	0.95	0.13	Loss vs Val_Loss  1.0 -



همانطور که مشاهده می شود، منظمسازی های L1 و L1\_L2 عملکرد بهتری داشته اند زیرا دقت روی دادههای تست را افزایش. نمودار مربوط به loss و val\_loss نیز برای این دو مورد مناسب تر از سایر منظمسازی هاست و نویز کمتری دارد. تغییرات val\_loss در نمودارهای مربوط به این دو به صورت کاهشی است و با شیب خوبی کاهش پیدا کرده است. هم چنین تغییرات ناگهانی ندارد.

به طور کلی منظمسازی  $L1_L$ 2 چون مزایای منظمسازی L1 و L2 را با هم ترکیب میکند روش مناسبی است و به خوبی عمل میکند.